

گزارشی از دستگیری تعدادی از معلمان

پنجشنبه بیست هشتم شهریور ۱۳۸۷

کانون صنفی معلمان ایران

دستگیر شدگان روز سه شنبه (روز گذشته، چهارشنبه، آزاد شدند) در گروه های چند نفری به مکان های مختلف منتقل شده اند. عده ای در کلانتری ۱۲۷ نارمک بوده و عده ای دیگر در مکان دیگری به سر برده اند. گزارش زیر را یکی از معلمان بازداشت شده نوشته است. با عنایت به این که شرح حال افراد مختلف بازداشت شده با توجه به محل بازداشتشان متفاوت بوده است آن را تقدیم می کنیم:

گزارش یک واقعه

ساعت حدود ۸ و نیم بود که از سمت جنوب ایستگاه مترو علم و صنعت بیرون آمدم به امید دیدار همکاران. اول طرف چپ و سپس طرف راست را نگاه کردم. دوستان نیروی انتظامی و اطلاعات در لباس شخصی حضور چشمگیری داشتند. وقتی فهمیدند که معلم هستم از من خواستند که عقب اتومبیل ون سوار شوم که قبل از من چهار نفر از همکاران شهرستانی سوار بودند. من پنجمین نفر شده و بعد از من سه نفر دیگر نیز به ما ملحق شدند. در ون بسته شد و ما ۸ نفر را بعد از گذشتن از چند خیابان و بزرگراه به قرارگاه نیروی انتظامی واقع در ضلع شمالی اتوبان همت جنب ایستگاه مترو به همین نام منتقل کردند. مسئولین زندان بیشتر جوانان بودند که یا پختگی لازم را برای مواجهه با شخصیت های مختلف اجتماعی نداشتند و یا باورشان نمی شد که در این مملکت معلمین را هم می توان به بازداشتگاه و زندان منتقل کرد. این بود که قبول نمی کردند ما معلمینی هستیم که فقط خواسته ایم دور یکدیگر جمع شده و مسائل و مشکلات مربوط به شغل خویش را مورد بررسی و گفتگو قرار دهیم و اصرار داشتند که این ظاهر قضیه است و ما مجرمینی هستیم که باید به تندی با آنها رفتار کرد. این بود که با وجود داشتن سنی به اندازه ی فرزندان خودمان به خویشتن اجازه می دادند که کسانی را که موهایشان تماما سپید بود را با حالت و لحن توهین آمیز و با لفظ تو صدا کنند و امر کنند که چه کنیم یا چه نکنیم. این موضوع باعث ناراحتی همکاران شهرستانی که می گفتند در منطقه خویش چنین چیزی را ندیده اند شد. بعد از انگشت نگاری و عکسی که همراه با پلاکاردی که جلوی سینه خود گرفته بودیم انداختیم دستور کردند تمام لباس ها صادر شد. چیزی که همکاران شریف ما را به حد انفجار رساند و باعث عکس العمل تندی نیز از سوی گردانندگان قرار گاه شد. به هر حال آنها این کار زشت را انجام دادند. خلاصه کنم پس از پوشیدن لباس ها ما ۸ نفر را در سلولی کنار هم گذاشتند و یکی از دروس های ما این شد که برای رفتن به توالت باید هر بار کلی چانه زنی می کردیم که گاهی موافقت می شد و گاهی نمی شد و باید چند ساعت انتظار می کشیدیم. آزادی چیز خوبی است حتی آزادی برای رفتن به توالت!! بعد دو نفر که گمان می کنم از حفاظت نیروی انتظامی بودند آمدند و بازجویی از ما شروع شد. رفتار کسی که از من سوال و جواب می کرد خوب بود ولی همکاران از نفر دیگر گله داشتند.

به هر حال دوباره به سلول برگشتیم و تا افطار صبر کردیم. شب دوباره مشکل رفتن به توالت شروع شد!!

وقتی یکی از همکاران با صدای بلند اعتراض کردند و گفتند که این مسئله را به روزنامه ها خواهند نوشت افسر نگهبان شروع به تهدید و فحاشی کرد. درد سرتان ندهم صبح امروز ساعت ۱۰ بعد از اینکه تعهد دادیم که در هیچ گونه راهپیمایی و تجمع غیرقانونی شرکت نخواهیم نمود (با وجود اینکه گفتیم تمامی حرکات ما قانونی بوده است) از آنجا مرخص شدیم.

عضو کانون صنفی معلمان ایران

پنجشنبه ۲۸ شهریور